تحلیل و نقد شرطی پاسکال
با نویج بنظری تصمیم‌سازی
عباس خسروی فارسانی
دکتر رضا اکبری

چکیده
یکی از استدلال‌های ارائه‌شده در زمینه اثبات وجود خدا و معقولیت باورهای دینی، استدلالی است که به "شرطیت پاسکال" یا "شرطیتی پاسکال" مشهور است. این استدلال که از منافقت‌گریزترین استدلال‌های اثبات وجود خدا و معقولیت باورهای دینی در مباحث فلسفه دین است، بایان می‌دارد در جایی که دلایل و استدلال‌های عقلی و نظری اثبات وجود خدا کافی نکنند، بار هم باید به وجود خدا و دیگر باورهای دینی از جمله باور به زندگی پس از مرگ، و زندگی بر اساس این باورها، تأثیر گیرنده معقول و محاطه‌طلبی بخش روست و دوران‌شناسی، احیا و مصالح‌اندیشی پیش‌آمده و اثبات آموخته‌های دینی را مورد ادراک و اقرار قرار دهیم و بر حفاظت آن کمک‌های شرطیتی کنیم. ایستاده با قرار گرفتن در جنبه‌های تصمیم‌سازی و با توجه به مباحث "حساب احتمالات"، و "سوم مورد انتظار" (سوم محتمل) و محاسبات ریسک، پروب‌و پرورش و پرورش یافته و منجر به ارازه چهار تقریب جدید از آن شده است که عبارت اند از "استدلال برتری"، "استدلال تازه انتظار"، "استدلال سوم مورد انتظار برتر" و "استدلال برتری قاطع".

واژگان کلیدی
شرطیتی پاسکال؛ احتمال وجود خدا؛ تصمیم‌سازی؛ سوم مورد انتظار.

*کارشناس ارشد فلسفه و کلام
**استادیار کوه فلسفه و کلام دانشگاه امام صادق(ع)
نام حکمت، شماره 6- پاییز و زمستان 1384
Name-Ye Hekmat, No. 6 - Autumn & Winter 2005
1. شرطیه پاسکال

در تابستان ۱۹۵۵م. جان فون نیومن نابغه ریاضی و از پیشگامان نظریه پاریزی که از افراد تأثیرگذار در توصیه به ارتش ایالات متحده آمریکا در مورد دکترین منع تجهیر و استفاده از سلاح‌های هسته‌ای بود، به سرطانی پیشرفته و درمان ناپذیر مبتلا شد. در زمانی که بیماری او را زمین کرده و در بستر اتفاق، فون نیومن به مذهب کاتولیک درآمد و بیان داشت: پاسکال در سخن‌هایی هنگام خواب از دنیا افتاده است. اگر این شانس و احتمال باشند که خدا باشد، وجود داشته باشد و قرعه و اقبال غیرمعتقد به وجود خدا، عذاب دوزخ باشد، در این صورت باور به وجود خدا، معقول است (Jordan, ۱۹۹۴ a, p. 1).

شرطیه پاسکال (شرطیه پاسکال)، که می‌تواند نوسان در کتاب انگلیسی‌ها نوشته‌‌های پاسکال (Pascal, ۲۰۰۳) (الهیان، فیلسوف، فیزیکدان و ریاضیدان شهیر فرانسوی) ارائه شده است. در این استادی اثر عمل گرایانه و احیای اندیشه‌ها از موضع این گران‌ها برای اثبات معقولیت اپورهای دینی از جمله باور به وجود خدا و آموزه‌های دینی دیگری چون معاد و زندگی پس از مرگ و بی‌طور خاص، اثبات و معیشت. استادی‌های علمی اثبات وجود خدا در واقع قلمرو استادی‌های قرار می‌گیرد که با توسل به شاهد تجربی با مفهومی در صد اثبات وجود خدا هستند که از آن جمله می‌توان به استادی‌های علمی جهان شناختی، وجود شناختی، غیبت شناختی، تغییر دینی و اثبات‌ها اشاره نشده است. این شرطیه پاسکال بیان می‌کند از جایی که استادی‌های علمی و تجربی با پیشینه و پسینی در باب اثبات وجود خدا و ربط ما را معنای‌آمیز نمی‌سازند. می‌توان یا تمکن به روشنی احیای اندیشه‌ها، عمل گرایانه و مکمل‌شانه اندیشه‌ها به گونه‌ای عمل کرد که بیشترین سود و منافع شخصی حاصل آید و از خطر احتمالی اجتناب گردد. به عبارت دیگر، شرطیه پاسکال بیان می‌کند که باور به وجود خدا و آموزه‌های دینی به تحاشی عملی، معقول است و در نگاه عمل گرایانه، صلاح اندیشه‌ها و عادت اندیشه‌نگار به منافع رقیب، سود بیشتری را نصیب می‌کند و تلاش برای پرورش باور دینی، با‌خی است به اصل
تحلیل و تقدیر شرطیه پاسکال با نگاهی به تعقیبیه تصمیم‌گیری

اختیاب عقلی؛ در نتیجه، دل مشغولی و ذهن مشغولی پاسکال در این استدلال بیشتر مطوف به عقلالیت باور دینی و سود حاصل از آن است تأیید . شرطیه پاسکال تلاشی است برای بحث در باب اینکه باور دینی، به طور خاص باور مسیحی، نه رویکرد صحیح و عقلانه در مواجه با سؤال از وجود خداست و از آنجا که عقل۱۰ از دان پاسخیقطعی به این سؤال ناتوان است، باید اختیاب پیشه کرد تا به سود مورد انتظار (سود محتمل)۱۱ درست بافت با از خطر احتمالی در کمین، رست . همچنین این استدلال با تولید رويکرد ایمان‌گری، یک می‌دارد حال که عقل و استدلال عقلی در پاسخ به سؤال از وجود خدا، ثابت‌اند است، این ضعف عقل را می‌توان از راه دلایل دل و از طریق ایمان، جبران کرد؛ جانشین پاسکال در این زمینه، جمله معروفی دارد که بیان می‌دارد: «در بارای خود دلایل دارد که عقل آن دلایل را نمی‌شناسد» ۱۲ (Pascal, 2003, p. 78).

شرطیه پاسکال در مباحث فلسفی و الهیاتی غرب، بسیار مورد توجه بوده است و برجسته دن‌درهون و معنوی‌انگیز، رجب اصلی استدلال وجود‌شناختی انسان دانسته‌اند و همچون استدلال وجود‌شناختی، شرطیه پاسکال نیز، طرفداران و مخالفان بسیاری را وارد میدان بحث و میجادله ای داشته‌اند و هیجان انگیز کرده است. هیجان پر‌خاشته از این استدلال، بیشتر به‌سبب موضوعی احتمالاتی است که در آن نسبت به سؤالات مذهبی و خطری جوون وجود خدا و زندگی پس از مرگ اتخاذ می‌شود؛ جانشین پاسکال در این زمینه بیان می‌دارد:

امنی دان کیست که چرا بین دین‌های انتخابه، جهان چیست، من خود چیستم؟ در جهانی دهشت‌ناک نسبت به همه چیز گرفتار می‌باشم ام نه کلتام را می‌شناسم، نه احساساتم را، نه روحام را و نه حتی می دانم چیست آن جلوه از هستیما که می‌اندیشد آنچه را که می‌گوئیم ...؛ من نظره می‌کنم این سه‌هایه‌های هولناک جهان را که مرا در نوردیده‌اند، و خود را می‌پایم کرانتند در سوگی از این بدانم چرا در این جاگاهم و نه در دیبای دیگر، و از چه روش بارای زیستن، در این سرزمین، که یکشی از من بوده و از ورای من خواهد آمد، این گاه کوتاه در اینجا بارای من مقرر گشته؛ من...
از هر کاتر چی بی کرداری نمی یابم که مرا چون درنه ای در میان گرفته، یا همانچنین یک چگونگی دردی باشد یا کمک نیست. همیشه به همین دنیای دیدنی می‌گویم که این اتفاق‌هایی هست که به کمک به نیکی به سمت انجام می‌رسند. فقط من دانم که در این راستا زندگی بی‌پایان نیست و این متأسفانه. نیز ندانم از کجا آمدند، به کجا می‌روند؛ همین چیز می‌دانم که با ترک این جهان، یا برای همیشه در دام فنا می‌افتد. در قبلاً قدرت خداوند دارم که بی‌پایان بدانم. بی‌پایان این اتفاق باشد که این اتفاق باشد که این اتفاق باشد که این اتفاق باشد که برای همیشه در دام فنا می‌افتد. در قبلاً قدرت خداوند دارم که بی‌پایان بدانم. بی‌پایان این اتفاق باشد که این اتفاق باشد که این اتفاق باشد که برای همیشه در دام فنا می‌افتد. در قبلاً قدرت خداوند دارم که بی‌پایان بدانم. بی‌پایان این اتفاق باشد که این اتفاق باشد که این اتفاق باشد که برای همیشه در دام فنا می‌افتد. در قبلاً قدرت خداوند دارم که بی‌پایان بدانم. بی‌پایان این اتفاق باشد که این اتفاق باشد که این اتفاق باشد که برای همیشه در دام فنا می‌افتد. در قبلاً قدرت خداوند دارم که بی‌پایان بدانم. بی‌پایان این اتفاق باشد که این اتفاق باشد که این اتفاق باشد که برای همیشه در دام فنا می‌افتد. در قبلاً قدرت خداوند دارم که بی‌پایان بدانم. بی‌پایان این اتفاق باشد که این اتفاق باشد که این اتفاق باشد که برای همیشه در دام فنا می‌افتد. در قبلاً قدرت خداوند دارم که بی‌پایان بدانم. بی‌پایان این اتفاق باشد که این اتفاق باشد که این اتفاق باشد که برای همیشه در دام فنا می‌افتد. در قبلاً قدرت خداوند دارم که بی‌پایان بدانم. بی‌پایان این اتفاق باشد که این اتفاق باشد که این اتفاق باشد که برای همیشه در دام فنا می‌افتد. در قبلاً قدرت خداوند دارم که بی‌پایان بدانم. بی‌پایان این اتفاق باشد که این اتفاق باشد که این اتفاق باشد که برای همیشه در دام فنا می‌افتد. در قبلاً قدرت خداوند دارم که بی‌پایان بدانم. بی‌پایان این اتفاق باشد که این اتفاق باشد که این اتفاق باشد که برای همیشه در دام فنا می‌افتد. در قبلاً قدرت خداوند دارم که بی‌پایان بدانم. بی‌پایان این اتفاق باشد که این اتفاق باشد که این اتفاق باشد که برای همیشه در دام فنا می‌افتد. در قبلاً قدرت خداوند دارم که بی‌پایان بدانم. بی‌پایان این اتفاق باشد که این اتفاق باشد که این اتفاق باشد که برای همیشه در دام فنا می‌افتد. در قبلاً قدرت خداوند دارم که بی‌پایان بدانم. بی‌پایان این اتفاق باشد که این اتفاق باشد که این اتفاق باشد که برای همیشه در دام فنا می‌افتد. در قبلاً قدرت خداوند دارم که بی‌پایان بدانم. بی‌پایان این اتفاق باشد که این اتفاق باشد که این اتفاق باشد که برای همیشه در دام فنا می‌افتد. در قبلاً قدرت خداوند دارم که بی‌پایان بدانم. بی‌پایان این اتفاق باشد که این اتفاق باشد که این اتفاق باشد که برای همیشه در دام فنا می‌افتد. در قبلاً قدرت خداوند دارم که بی‌پایان بدانم. بی‌پایان این اتفاق باشد که این اتفاق باشد که این اتفاق باشد که برای همیشه در دام فنا می‌افتد. در قبلاً قدرت خداوند دارم که بی‌پایان بدانم. بی‌پایان این اتفاق باشد که این اتفاق باشد که این اتفاق باشد که برای همیشه در دام فنا می‌افتد. در قبلاً قدرت خداوند دارم که بی‌پایان بدانم. بی‌پایان این اتفاق باشد که این اتفاق باشد که این اتفاق باشد که برای همیشه در دام فنا می‌افتد. در قبلاً قدرت خداوند دارم که بی‌پایان بدانم. Bی‌پایان این اتفاق باشد که این اتفاق باشد که این اتفاق باشد که برای همیشه در دام Fنا می‌افتد. فيصلت‌دادن شده است: انسان در قیاس با قلمرو طبیعت چیست؟
تحلیل و تقدیر شرطیه پاسکال با نظره هیسونر فیلسوتی

همچنین وجود انسان، مشحون از معما، نتایج است و هدایت معمای برای خویشن است. انسان به‌طور گروه‌ای از بی‌نهایت خرسند شود و در واقع، هرگز خرسندی تام نمی‌یابد. چنانچه پاسکال می‌گوید:

چه هیولا‌ی است انسان! چه موجود دیجی و نوپایی است انسان! اشتدته و بی‌سامان، چه نتایجی! چه اعجوبه‌ای! داور همه، چیز، کرم ناجی زمین، گنگور حقیقت، دخمه تریده و خطأ سرآمد و سرباز جهن. کیست. گره‌گشای این اشفرگی؟ (Pascal, 2003, p.121).

پاسکال معتقد است فیلسوفان و دانشمندان را توانایی حل‌ی این معما نیست و اگر انسان را پازی حل‌ی راز سری‌انه‌نیست، باید از ایمان، خدا و ایمان به‌خدا استفاده خلیفه.

در شرطیه پاسکال، ما در مقابل سؤال خطری جوان وجود خدا و زندگی پس از مرگ، در وضعیتی قرار می‌گیرم که باید از دو گزایه و کریمه ای که مبان آنها افکال حقيقة بر قرار است، یک کریمه را اختیار کنیم و در مورد آن تصمیم گیریم و این، تصمیم‌یها خطر و سرنوشت ساز است که می‌توانند تمام زندگی این جهانی ما و در فرض وجود، زندگی پس از مرگ ما را تحت سلطه و سیطره خدا در آورد؛ دو گزینه پیش روز ما جهت تصمیم عبارتاند از:

1. خدا وجود دارد و نابایرین، در صورت اعتقاد به وجود او، انسان می‌تواند به سود و سعادتی بپردازد و نامتناهی دست یابد و در صورت عدم اعتقاد، از سعادت ابدی محروم و به شقاوت ابدی و لکه‌نی که نگفتار می‌شود یا:

2. خدا وجود ندارد و در نتیجه، در صورت اعتقاد به وجود او، انسان سودی محدود (سود این جهانی) را از دست می‌دهد و در صورت عدم اعتقاد، خیز وی را از دست ندهاد است.

به عبارت دیگر، اگر فرد بر عدم وجود خدا شرط تبدیل کند و برند شود، سود اندکی را به‌دست می‌آورد، اما اگر بر عدم وجود خدا شرط بپندد، در حالی که خدا وجود داشته باشد و اگر شرط را بپندد، در این صورت، عواقب این باخت، می‌تواند دهشت‌ناک و نامتناهی باشد.
همچنین، لازم است قبل از ورود به بحث، برای فهم دقیق شرط‌های پاسکال، به یک تمایز کلی‌ای نویجه داشته باشیم: در بررسی و نقادی شرط‌های پاسکال، ابتدا میان دو نحوه بهبودیاری از این استدلال تفکیک قائل شد:

1. استفاده اقتاعی و روان‌شناسی (استفاده ابراری)؛

2. استفاده پرهانی از شرط‌های پاسکال به نظور توجیه عقلانی باورهاي دینی (استفاده توجهی‌) (استفاده فلسفی- منطقی).

توجهی اینکه از شرط‌های پاسکال می‌توان به عنوان شگرد و شیوه ای روان‌شناسی برای تغییر باور دینی مخاطب استفاده کرد. بنابراین، می‌توان گفت که در صورت استفاده از شرط‌های پاسکال در مقال کنشی با مخاطبی محدود، "نظام کیش" یا شکاک، این احتمال وجود دارد که وی به آستانه باور به وجود خدا وارد شود و در نهایت، در مورد پذیرش باورهای دینی اقتاع شود؛ در این صورت، می‌توان گفت از شرط‌های پاسکال استفاده‌ای اقتاعی، روان‌شناسی و ابراری شده است. منظور از استفاده ابراری نیز این است که این استدلال وسیله‌ای برای هدف‌گذاری و وجود خذا شده است. اما همچنین می‌توان از شرط‌های پاسکال به عنوان دلیل و پرهانی برای تغییر باور مخاطب استفاده کرد.

بدین معنا که از این استدلال، بهبودیاری فلسفی و منطقی برای توجیه عقلانی باور دینی صورت گرفت. پرهانی معتقدند که پاسکال در شرط‌های پاسکال خود، قصد توجیه و پرهانی داشته است (Cf. Martin, 1975, pp.1-11) و در باحث فلسفی و الهیات (James, 1956, pp.1-31; Pojman, 1987, pp.388-396; Brown, 2001, pp.169-180) در بررسی شرط‌های پاسکال نیز باید این تفکیک دقیقاً مورد نظر قرار گیرد. استفاده از شرط‌های پاسکال به‌صورت اقتاعی و روان‌شناسی، قابل دفاع است. اما اگر این شرایط است، از جنبه‌های گوناگون نقدی‌های فراوانی وارد است؛ جانشینی در نگاهی کلی به این استدلال، جرج ادوارد مور، فیلسوف انگلیسی، در نقد شرط‌های پاسکال، و با نظر از ارزیابی عقاید و پرهانی آن معتقد است.
تحلیل و تقدیر شرطیه پاسکال با نویجه معافیت فلسفی

۱۳۵

«هجی چیز در مورد آن نمی‌توان گفت، جز اینه به نظر من، «کمالاً ماهرانه و
شبیهت آمیز» است» (Levi, ۱۹۷۹, p.۲۱۴). 
شرطیه پاسکال، معقید است که هیچ نکته مشتی در این استدلال وجود ندارد.
در مورد شرطیه پاسکال، سخنان بسیاری می‌توان گفت که همه آن ها، منفی هستند.
(Smith, ۱۹۸۹, p.۱۸۳).

نکته مقدماتی و الیک دیگر این نکته شرطیه پاسکال بیشتر استدلال سودمحور است;
نه صدق محور؟ یبدین معنا که بیش از هر چیز سود نهایی انسان را مدت گذارد، هرچند
می‌مکن این امر منافقت با صدق باوری که به سود متعاقب می‌شود. نیز نداشتند باشد
در عین حال، در درجهً اول، به سود باور توجه می‌شود. نه صدق باور
یا توجه به مباهی که تاکنون داشته‌ایم، می‌توان صورت بیانی اولویت زیر را از شرطیه
پاسکال ارائه داد:

پاسکال ارائه داد:

۱. خدا، یا وجود دارد یا وجود ندارد؟
۲. عقل در پاسخدهی به سوال از وجود یا نبود خدا ناتوان است;
۳. اگر خدا، وجود داشته باشد، در آن صورت معقیدان به او با زندگی ابدی ب

۴. اگر خدا وجود نداشت باشد، زندگی هر کس با مرگی حیاتی پایان می‌بیند;
۵. بنابراین، انسان محتمل، درندیش، فریادندیش، مصلح‌مت، خدا‌پر، خدا‌باری را

انتخاب خواهد کرد;

۶. ما ناگزیر از شرطیه‌نی بر یکی از دو طرف وجود یا نبود خدا هستیم;
۷. ما هر طور که شرطیه‌نی کتم، شاس و احتمال برندش شدی با باختن، برای ۵۰٪

است; بنابراین، انسان محتمل، درندیش، عبایندیش، مصلح‌مت، اولیت بر روی

گزینه‌ای شرطیه‌نی می‌کند که بیشترین جایزه و پاداش را در بر داشته باشد;
2. تقریرهای مختلف شرطیه پاسکال با توجه به نظریه تصمیمصازی

2-1. نظریه تصمیمصازی (نظریه تصمیم)

از ویژگی‌های شرطیه بی‌سکال، بسط تقریرهای گوناگونی از آن و تیبین این استدلال در
نمونه و تاکنون این اصول در دو کتاب اثرes (ناهی حکیت شواره) و (پاییس و زم‌تا از سال 1384)
شود (465).

(انگلیسی)

(Pascal, 2003, pp. 66-69; Browne, 1984, p. 465)

2-2. 2 نظریه تصمیمصازی (نظریه تصمیم)

از ویژگی‌های شرطیه بی‌سکال، بسط تقریرهای گوناگونی از آن و تیبین این استدلال در
نمونه و تاکنون این اصول در دو کتاب اثرes (ناهی حکیت شواره) و (پاییس و زم‌تا از سال 1384)
شود (465).

(انگلیسی)

(Pascal, 2003, pp. 66-69; Browne, 1984, p. 465)

2-2. 2 نظریه تصمیمصازی (نظریه تصمیم)

از ویژگی‌های شرطیه بی‌سکال، بسط تقریرهای گوناگونی از آن و تیبین این استدلال در
نمونه و تاکنون این اصول در دو کتاب اثرes (ناهی حکیت شواره) و (پاییس و زم‌تا از سال 1384)
شود (465).

(انگلیسی)

(Pascal, 2003, pp. 66-69; Browne, 1984, p. 465)

2-2. 2 نظریه تصمیمصازی (نظریه تصمیم)

از ویژگی‌های شرطیه بی‌سکال، بسط تقریرهای گوناگونی از آن و تیبین این استدلال در
نمونه و تاکنون این اصول در دو کتاب اثرes (ناهی حکیت شواره) و (پاییس و زم‌تا از سال 1384)
شود (465).

(انگلیسی)

(Pascal, 2003, pp. 66-69; Browne, 1984, p. 465)

2-2. 2 نظریه تصمیمصازی (نظریه تصمیم)

از ویژگی‌های شرطیه بی‌سکال، بسط تقریرهای گوناگونی از آن و تیبین این استدلال در
نمونه و تاکنون این اصول در دو کتاب اثرes (ناهی حکیت شواره) و (پاییس و زم‌تا از سال 1384)
شود (465).

(انگلیسی)

(Pascal, 2003, pp. 66-69; Browne, 1984, p. 465)

2-2. 2 نظریه تصمیمصازی (نظریه تصمیم)

از ویژگی‌های شرطیه بی‌سکال، بسط تقریرهای گوناگونی از آن و تیبین این استدلال در
نمونه و تاکنون این اصول در دو کتاب اثرes (ناهی حکیت شواره) و (پاییس و زم‌تا از سال 1384)
شود (465).

(انگلیسی)

(Pascal, 2003, pp. 66-69; Browne, 1984, p. 465)

2-2. 2 نظریه تصمیمصازی (نظریه تصمیم)

از ویژگی‌های شرطیه بی‌سکال، بسط تقریرهای گوناگونی از آن و تیبین این استدلال در
نمونه و تاکنون این اصول در دو کتاب اثرes (ناهی حکیت شواره) و (پاییس و زم‌تا از سال 1384)
شود (465).

(انگلیسی)

(Pascal, 2003, pp. 66-69; Browne, 1984, p. 465)

2-2. 2 نظریه تصمیمصازی (نظریه تصمیم)

از ویژگی‌های شرطیه بی‌سکال، بسط تقریرهای گوناگونی از آن و تیبین این استدلال در
نمونه و تاکنون این اصول در دو کتاب اثرes (ناهی حکیت شواره) و (پاییس و زم‌تا از سال 1384)
شود (465).

(انگلیسی)

(Pascal, 2003, pp. 66-69; Browne, 1984, p. 465)

2-2. 2 نظریه تصمیمصازی (نظریه تصمیم)

از ویژگی‌های شرطیه بی‌سکال، بسط تقریرهای گوناگونی از آن و تیبین این استدلال در
نمونه و تاکنون این اصول در دو کتاب اثرes (ناهی حکیت شواره) و (پاییس و زم‌تا از سال 1384)
شود (465).

(انگلیسی)

(Pascal, 2003, pp. 66-69; Browne, 1984, p. 465)

2-2. 2 نظریه تصمیمصازی (نظریه تصمیم)

از ویژگی‌های شرطیه بی‌سکال، بسط تقریرهای گوناگونی از آن و تیبین این استدلال در
نمونه و تاکنون این اصول در دو کتاب اثرes (ناهی حکیت شواره) و (پاییس و زم‌تا از سال 1384)
شود (465).

(انگلیسی)

(Pascal, 2003, pp. 66-69; Browne, 1984, p. 465)

2-2. 2 نظریه تصمیمصازی (نظریه تصمیم)

از ویژگی‌های شرطیه بی‌سکال، بسط تقریرهای گوناگونی از آن و تیبین این استدلال در
نمونه و تاکنون این اصول در دو کتاب اثرes (ناهی حکیت شواره) و (پاییس و زم‌تا از سال 1384)
شود (465).

(انگلیسی)

(Pascal, 2003, pp. 66-69; Browne, 1984, p. 465)

2-2. 2 نظریه تصمیمصازی (نظریه تصمیم)

از ویژگی‌های شرطیه بی‌سکال، بسط تقریرهای گوناگونی از آن و تیبین این استدلال در
نمونه و تاکنون این اصول در دو کتاب اثرes (ناهی حکیت شواره) و (پاییس و زم‌تا از سال 1384)
شود (465).

(انگلیسی)

(Pascal, 2003, pp. 66-69; Browne, 1984, p. 465)

2-2. 2 نظریه تصمیمصازی (نظریه تصمیم)

از ویژگی‌های شرطیه بی‌سکال، بسط تقریرهای گوناگونی از آن و تیبین این استدلال در
نمونه و تاکنون این اصول در دو کتاب اثرes (ناهی حکیت شواره) و (پاییس و زم‌تا از سال 1384)
شود (465).

(انگلیسی)

(Pascal, 2003, pp. 66-69; Browne, 1984, p. 465)

2-2. 2 نظریه تصمیمصازی (نظریه تصمیم)

از ویژگی‌های شرطیه بی‌سکال، بسط تقریرهای گوناگونی از آن و تیبین این استدلال در
نمونه و تاکنون این اصول در دو کتاب اثرes (ناهی حکیت شواره) و (پاییس و زم‌تا از سال 1384)
شود (465).

(انگلیسی)

(Pascal, 2003, pp. 66-69; Browne, 1984, p. 465)
تحلیل و تقدیم شرایط پاسکال با نگاه جهان‌شکنی تصمیم‌گیری

به این شرایط، تخصیص دهد. سه رکن و سازه اساسی در وضعیت‌های تصمیم سازی شرایط

همتی خاص دارند: اقدام‌ها، وضعیت‌ها و شروط‌ها (شرايط) و (پیامدها) (ناتیج).

اقدام‌ها: شیوه‌های بدیلی هستند که در اختیار کنشگر قرار دارند. وضعیت‌ها، انحا ی

محتمل وجود جهان‌ها و پیامدها، نتاهج قابل پیش‌بینی یا آثار متین بر اقدام در

شرایط خاص‌اند. می‌توان این ارکان و سازه‌های اساسی را در یک ماتریس تصمیم

ساده تماشای داد:

وضع

یگِ دیگر

پیامدها

اقدام

به هر یک از چهار ضلعی های فوق، یک «سرل» که می‌شود. پیامدها در

سرل‌ها مرتبط می‌شوند و تعداد سرل‌ها بر اساس اقدام‌ها و وضعیت‌ها تعیین می‌شوند.

وضعیت

یگِ دیگر

اندبند

پیامدها

اقدام

برای سهولت، ما صرف با اقدام‌ها و وضعیت‌های سر و کار داریم که به لحاظ علی

و احتمالاتی مستقل از یکدیگر هستند. سرل‌ها (فاصله‌ها) (پازده) اصلی برای

تشان دادن ارزش پیامده‌های مختلف اقدام کنشگر است که می‌توانند ارزشی ببالا، پایین یا

متفاوت (زبان) باشند. احتمال و وضعیت‌های گوناگون، نقش مهم در تصمیم‌سازی ایفا

می‌کند. با استفاده از قانون اندازه‌گیری (می توان درجه احتمال و سود مورد اندازه‌گیری هر اقدام را

محاسبه کرد. بر طبق قانون اندازه‌گیری، برای هر شخصی، اگر تعداد اقدام مسیل در اختیار

2×2، 2×3

و...

سازه‌ها به طور متوالی و زنجیره‌ای شماره‌گذاری می‌شوند:

وضعیت

یگِ دیگر

اندبند

پیامدها

اقدام

F1

F2

F3

F4

برای هر یک از چهار ضلعی های فوق، یک «سرل» که می‌شود. پیامدها در

سرل‌ها مرتبط می‌شوند و تعداد سرل‌ها بر اساس اقدام‌ها و وضعیت‌ها تعیین می‌شوند.

وضعیت

یگِ دیگر

اندبند

پیامدها

اقدام

برای سهولت، ما صرف با اقدام‌ها و وضعیت‌های سر و کار داریم که به لحاظ علی

و احتمالاتی مستقل از یکدیگر هستند. سرل‌ها (فاصله‌ها) (پازده) اصلی برای

تشان دادن ارزش پیامده‌های مختلف اقدام کنشگر است که می‌توانند ارزشی ببالا، پایین یا

متفاوت (زبان) باشند. احتمال و وضعیت‌های گوناگون، نقش مهم در تصمیم‌سازی ایفا

می‌کند. با استفاده از قانون اندازه‌گیری (می توان درجه احتمال و سود مورد اندازه‌گیری هر اقدام را

محاسبه کرد. بر طبق قانون اندازه‌گیری، برای هر شخصی، اگر تعداد اقدام مسیل در اختیار

2×2، 2×3

و...

سازه‌ها به طور متوالی و زنجیره‌ای شماره‌گذاری می‌شوند:
وی، آنها اگر A1 سود مورد انتظار بیشتری نسبت به A2 داشته باشند، فرد S به درد سازوار است / بجای A1 گریه A2 را انتخاب کند. در هر وضعیت، سود مورد انتظار (EU) هر اقدام، بر اساس روش زیر محاسبه می‌گردد:

1. ضرب نمودن سود (فاصله) (پازده) آن اقدام در احتمال پیامدهای مربوط با آن اقدام:

2. کسر کردن هزینه‌های مربوط با هر اقدام:

3. جمع کردن نتایج حاصل برای هر اقدام برای محاصره مجموع سود مورد انتظار 

(Morris, 1986, p.439)

\[(\text{Probability F1} \times \text{Utilities F1}) - \text{Cost F1}] + [(\text{Probability F2} \times \text{Utilities F2}) - \text{Cost F2}] + \ldots = \text{EU}\]

پا به طور خلاصه، برای محاسبه سود مورد انتظار یک اقدام:

\[(\text{Probability} \times \text{Utility}) - \text{Cost} = \text{EU}\]

سود مورد انتظار = هزینه - (سود × احتمال)

بر طبق نظریه تصمیم، عقلاً، اقدامی که در انتظار بزرگتر و زیم که


مثال: فرض کنید فردی می‌خواهد در مورد اینکه آیا امرور، با توجه به احتمال بارش باران، در مورد هر از دو انتخاب، چتر تصمیم بگیرد. از یک سو این چتر را بر خود هموار کننده است و از سوی دیگر، ترجیح می‌دهد در صورت بارش، باران، چتر را خپشت کند. این انتخابات، می‌توانند از یک ماتریس تصمیم ۲×۲ استفاده کنند (دو انتخاب و دو وضعیت) در این ماتریس، اعداد موجود در هر سرول، نشان دهنده درجه ترجیح و سودی اقدام هست که فرد به یک می‌پردازد:

<table>
<thead>
<tr>
<th>باران</th>
<th>چتر بردن</th>
<th>چتر نبودن</th>
</tr>
</thead>
<tbody>
<tr>
<td>باران نمی‌باید</td>
<td>۴</td>
<td>۴</td>
</tr>
<tr>
<td>چتر بردن</td>
<td>۸</td>
<td>۸</td>
</tr>
<tr>
<td>چتر نبودن</td>
<td>۲</td>
<td>۲</td>
</tr>
</tbody>
</table>
تحلیل و تقدیر شرطیه پاسکال با نوجه عاطفیه تصمیم‌گیری

فرض می‌کنیم که امروز، ۵۰/۵ حتمال دارد که باران ببارد. بر این اساس و با توجه به ماتریس فوق، سود مورد انتظار بردن چتر، بیش از نبودن آن است:

سود مورد انتظار چتر بردن (EU) = \( \frac{1}{2} \times (8 + 4) = 5 \)

سود مورد انتظار نبودن بردن (EU) = \( \frac{1}{2} \times (4 + 2) = 3 \)

در نتیجه، از نظریه سازی تعیین می‌شود سود مورد انتظار چتر نبودن (3) است. در نتیجه، در مقام تصمیم گیری، عقلانیت افتضاح می‌کند که باید با خود چتر برایم.

اما اینکه بیشتر و بررسی کردنی‌های مختلف شرطیه پاسکال می‌پدایم: می‌توان با توجه به کتاب «اندیشه‌های پاسکال» (Pascal, 2003, 66-69) و در روندی دیالکتیکی سه تقریر در این استدلال را با توجه به نظریه تصمیم‌سازی از هم متمایز ساخت.

(22)

با نظر به شرطیه پاسکال، می‌توان ماتریس تصمیم زیر را ترسیم کرد:

<table>
<thead>
<tr>
<th>خدا وجود دارد</th>
<th>خدا وجود ندارد</th>
</tr>
</thead>
<tbody>
<tr>
<td>شرطیه ی به سود وجود خدا (باور به وجود خدا)</td>
<td>F1</td>
</tr>
<tr>
<td>شرطیه ی به زیان وجود خدا (عدم باور به وجود خدا)</td>
<td>F3</td>
</tr>
</tbody>
</table>

در ماتریس فوق، دو وضعیت چنین (شیوه‌های ممکن چهان) وجود دارد:

1. خدا وجود دارد (وجود خدا);
2. خدا وجود ندارد (نبوغ خدا).

همچنین دو اقدام در این ماتریس مفروض است:

1. شرطیه ی به سود (وجود خدا) باور به وجود خدا (باور)
2. شرطیه ی به زیان (وجود خدا) تابور به وجود خدا (تابور)
برای سهولت در ماتریس هایی که از این پس ترسیم می‌شود، از کوته‌نوشت‌ها ی به شکل زیر خواهد بود:

<table>
<thead>
<tr>
<th>وجود خدا</th>
<th>بدون شده</th>
<th>باور</th>
<th>F1</th>
<th>F2</th>
</tr>
</thead>
<tbody>
<tr>
<td>ناباور</td>
<td>F3</td>
<td>F4</td>
<td></td>
<td></td>
</tr>
</tbody>
</table>

همچنین قبل از بررسی روابط های گوناگون شرط‌گذاری پاسکال، لازم است با چند اصطلاح دیدگاه که در نظریه تصمیم‌گیری مطرح می‌شود و در شرط‌گذاری پاسکال استفاده می‌شوند، آشنا شویم:

هنگام اتخاذ هر تصمیم می‌تواند ویژه و دیگر آن سه نحوه تصمیم‌گیری، قابل تصور است:

1. اگر نسبت به نتیجه قطعی اقدام خود، آگاهی داشته باشیم، در «وضعیت متقن» اقدام می‌کنیم و به تصمیم‌گیری که در چنین وضعیت‌های اتخاذ می‌گوییم، «تصمیم تحت واقعیت» گفته می‌شود.

2. اگر نسبت به نتیجه قطعی اقدام خود آگاهی نداشته باشیم، ولی در عین حال، نسبت به تمامی احتمالات مرتبط، آگاهی داشته باشیم، در «وضعیت ریسک» اقدام می‌کنیم و به تصمیم‌گیری که در چنین وضعیت‌های اتخاذ می‌گوییم، «تصمیم تحت ریسک» گفته می‌شود. در «وضعیت تحت ریسک»، انتخاب دهی (p)، را به وضعیتهای مختلف جهان تخصیص می‌دهند و فرض بر این است که وضعیت ها ی جهان، مستقل از اقدامات گسترش‌هستند. در این وضعیت، می‌توان با توجه به احتمال و ارزش سودی که به هر وضعیت تخصیص داده شده است، به محاسبه سود مورد انظار پرداخت و به گونه‌ای اقدام کرد که، به‌هم‌آمدآن، بی‌سری‌ترین سود مورد انظار باشد.

3. اگر نسبت به همه یا برخی از احتمالات مرتبط، آگاهی نداشته باشیم، در «وضعیت آمیخته» اقدام می‌کنیم و به تصمیم‌گیری که در چنین وضعیت‌های اتخاذ می‌گوییم، تصمیم تحت واقعیت یا گفته می‌شود (MacIntosh, 2000, 9, pp. 26-27).
تحليل وفق شرطية پاسکال با نهجه حاضرین تصادفی

وضعیت پیشین، کنیگر، در وضعیت ترکید و حیرت به درد و هیچ جوابی احتمالی ذهنی (انفسی)‌ها به وضعیت‌های جهان تخصصی نمی‌دهد. در عنوان حال، در موقعیت عقلانیت به اتخاذ یک تصمیم خاص حکم می‌کند (Hajek، 2004).

2.2. قضیه اول: استدلال برتری

در این تقریب از شرطیت پاسکال، کنیگر در «وضعیت پیشین» و ترکید به سمت می‌برد. پیامد مثال، می‌توان موردی را در نظر گرفت که دو اقدام محتمل وجود داشته باشد، آ1 و آ2، و بدلین پیامد مربوط به آ1 حداقی به خویب بهترین پیامد آ2 است؛ همچنین فرض کنید که حداقی در یک وضعیت از وضعیت‌های محتمل جهان، پیامد آ1 بسیار بهتر از پیامد آ2 باشد. در این شرایط می‌توان گفت بر آ1 برتری می‌یابد. این استدلال را که بر «انجام اقدام برتر» تأکید دارد، می‌توان به‌دین نحو صورت بندی کرد:

1. برای هر شخص، س، اگر یکی از اقدام‌ها به‌دلیل در اختیار وی، پیامدی بهتر از پیامدهای دیگر اقدام‌های بدلیل داشته باشد، و هیچ پیامدی بندتر از دیگر پیامدها نداشته باشد، پیامد (سزاوار است / بجست) شخص س، اقدام را انتخاب کند؛

2. اگر خدا وجود داشته باشد، باور به وی بهتر از ناباوری است، و اگر خدا وجود ندارد، باور به وی بندتر از ناباوری نیست.

نتیجه: شخص س باپد (سزاوار است / بجست) به خدا باور داشته باشد. همچنین، «باپد» در نتیجه، (شخص س باپد» به خدا باور داشته باشد،) یک «باپد عقلانیت» (باپد عقلانی) (نظری) - در مقابل «باپد عملي» (باپد عملي) و سیله- هدف - 

است، نه ازام ضروری (173، p.173, Jordan، 2005).

می‌توان هر بخش از عبارات پاسکال را به‌دلیل از روایت‌ها ی شرطیت پاسکال تخصص داد، عبارات پاسکال که نشان دهنده روایت‌نخست از شرطیت پاسکال و ترکیب و ناگاهی ماه در این حالت است، بیان می‌دارد:

اگر خدایی وجود داشته باشد، بی‌نیابت دور از درک ماست؛ بنابراین، ما از درک چیستی یا هستی از ناوانیم؛ و وجود یا نبود خدا؟ گرایش ما باپد به
کدام سو باشد؟ عقل در اینجا نمی تواند تصمیمی بگیرد. سلسله ای نامنته‌ای از اندیشه‌های آشکارته ما را احاطه کرده اند؛ در سرلک‌های این سلسله، سکه ای به هوا پرتاب می‌شود که شیر یا خات خواهد آمد. شما چگونه شرط می‌نبدید؟ عقل، شما را مجبور به انتخاب یکی از دو گزینه نمی کند، چرا که عقل نمی تواند ثابت کند کدام یک از دو گزینه، نادرست است. ولی باید شرط بندی کنید... از آنجا که شما باید انتخاب کنید، ببنیم کدام یک برای شما بهتر است. شما دو چیز برای از دست دادن دارید: حقيقة و خبر و دو چیز برای به خطر اداختن: عقل و اراده‌تان، معرفت و عاطفه‌تان، و طبیعت و سرخست شما باید از دو چیز انتخاب ورودی: خطا و ادیکتی؛ عقل شما در انتخاب هر یک از دو گزینه، بیشتر از دیگر تحقیر و جریحه دار نخواهد شد، اما سعادت شما چه می‌شود؟ بگذارید سود و زیان شرط بندی بر سر وجود خدا را ارزیابی کنیم، اگر چیز را برده اید، اگر بااختیاد هر یک از دست ندهاد اید. پس بر سر وجود خدا شرط بندی... (Pascal, 2003, pp.66-67)

چنانچه می‌بینیم، در این استدلال، هیچ گونه ارزش و احتمال ذهنی به هیچ یک از وضعیت‌های موجود تخصیص داده نشده است و بر همه اساس، در صورت بندی فوق بحث از سود مورد انتظار نشده بلکه به صورت کلی بر «پیامدها» اقدام یکدی اکنن شده است؛ زیرا در این تقریر، احتمالی به وضعیت‌ها تخصیص داده نشده تا بر اساس آن به محاسبه سود مورد انتظار پردازیم. لذا در استدلال بر پایه با انتخاب به پیامدهای دو وضعیت، گفته می‌شود شرط بندی به سود وجود خدا برتر "از شرط بندی به زیان وجود خداست. به عبارت دیگر، هرچنین هیچ احتمالی به وجود خدا تخصیص نیافته، اما تا زمانی که احتمال وجود خدا به صفر نرسیده و از صفر پردازش است، شرط بندی به سود وجود خدا، امری معقول است و بر شرط بندی به زیان وجود خدا، تفوق دارد. می‌توان این استدلال را در قالب ماتریس تصمیم زیر نمودار ساخت:
تحلیل و تقدیم شرکت‌های پاسکال با نهایت یکانترین تصمیم‌گیری

<table>
<thead>
<tr>
<th>شرط طبیعی</th>
<th>حقیقت</th>
<th>حفظ وضع موجود</th>
</tr>
</thead>
<tbody>
<tr>
<td>باور به وجود خدا (شرط طبیعی)</td>
<td>(1) حقیقت</td>
<td>(2) حفظ وضع موجود</td>
</tr>
<tr>
<td>عدم باور به وجود خدا</td>
<td>(3) حقیقت</td>
<td></td>
</tr>
<tr>
<td>عذاب دوزخ (جهنم)</td>
<td>(4) حفظ وضع موجود</td>
<td></td>
</tr>
</tbody>
</table>

در ماتریس فوق، حالت زیر وجود دارد:
1. باور به وجود خدا دارد و ندارد. در این صورت به پهشت می‌رود;
2. باور به وجود خدا دارد و ندارد. در این صورت نه پهشت به دست آورده‌اید و نه چیزی از دست داده‌اید (حفظ وضع موجود);
3. باور به وجود خدا دارد و ندارد. در این صورت مجازات خواهد شد (عذاب دوزخ یا جهنم);
4. باور به وجود خدا دارد و ندارد، در این صورت نه پهشت به دست آورده‌اید و نه چیزی از دست داده‌اید (حفظ وضع موجود).

به‌طور کلی، این ماتریس نشان‌دهنده این است که در این صورت، حفظ وضع موجود در دوره جهانی شده‌اند نه شده‌اند ده‌دسته‌اند.

دیدگاه پاسکال باشند که در اینجا معتقد است با توجه به ملاحظات عقلی و معرفی، عقل در این تصمیم‌گیری حیات و ناگهان است، اما به‌طور کلی، فرد خدا می‌تواند مقبول و معقول دارد و آن عبارت از اینکه حقیقت بر خط ترجیح دارد و در صورت شرط طبیعی به سود وجود خدا، علیه به اینکه حقیقت را احراز کرد و این نظر به دست آورده‌اید، اما
در صورت شرطبندی به زیان وجود خدا، اگر خدا وجود داشته باشد، سود نامتناهی را از آن، داده‌ایم و زیان نامتناهی را به دست او دهیم و اگر خدا وجود نداشته باشد، در نهایت وضع موجود حفظ شده است (McClenen، 1994، pp. 116-117).

البته در این بینا پاسکال، به نظر می‌رسد که نوعی ناسازگاری وجود دارد. در این عبارت، پاسکال از «حقیقت» به عنوان چیزی که می‌تواند از دست برود و از «خطا» به عنوان امری که باید از آن احتراز ورزید، سخن می‌گوید؛ اما در ادامه بیان می‌دارد که اگر شما شرطبندی به سود وجود خدا را بپردازید، «هیچ از دست نداده‌اید» در حالی که در این صورت، بیشتر «حقیقت» را از دست داده‌اید؛ چرا که به فرض، شما به سود وجود خدا شرط بسته‌اید، اما اگر خدا و وجود نداشته باشد، شما بر چیزی غیرحقیقی شرط بسته‌یاد و لذا حقیقتی از شما فوت شده است و بنایا، دقیقاً مرتبک «خطا» شده اید (Hájek، 2004).

علت اینکه به این استدلال، «استدلال پرتری» گفته شده نیز این است که در آن بدون اینکه هیچ ارزش و احتمال خاصی به پیامدهای آن‌ها دارا نباشد، تخصیص شده شود، و بدون اینکه نسبت به پیامدهای F۴ و F۲ و F۳، موضوع گیری خاصی انجام نشود. مثلاً می‌شود که در مجموع، باور به وجود خدا و شرطبندی به سود وجود خدا، نسبت به ناپوی و شرطبندی بتری ترد. گاهی به این روایت، «استدلال پرتری ضعیف» تا از تقریب چهارم - «استدلال پرتری قاطع» که در ادامه به یک خواهیت پرداخت و در آن بر ارزش بیشتر F۳ تأکید می‌شود (McClenen، 1994، p. 117) می‌شود.

اگر بخواهیم روایت اول استدلال را در ماتریس تصمیم‌سازی نشان دهیم، می‌توان آن را به شکل زیر نشان داد:

<table>
<thead>
<tr>
<th></th>
<th>وجود خدا</th>
<th>نبود خدا</th>
</tr>
</thead>
<tbody>
<tr>
<td>باور F۲</td>
<td></td>
<td>F۱</td>
</tr>
<tr>
<td>ناپوی F۴</td>
<td></td>
<td>F۳</td>
</tr>
</tbody>
</table>
در این ماتریس، بدون اینکه احتمالی خاصی به هیچ کدام از اقدام‌ها تخصیص دهد، شده‌ی پاسکال، ۱. پیامد حاصل از F1 یا بسیار بزرگتر از پیامد حاصل از F3 است: 
\[ \text{F1} > \text{F3} \]
۲. حداکثر به اندازه F4 ارزش دارد.

نتیجه: باور به وجود خدا و یا شرط بندی به سود وجود خدا، برتر از نابور ی به وجود خدا یا شرط بندی به زبان وجود خدادست.

۲-۳. تقریب دوم: استدلال سود مورد انتظار (استدلال انتظار امتیازات هایبرد)

این استدلال بر اساس اقدام‌های بشرتین سود مورد انتظار (2003، انتخاب دارد (Hacking، 1994، p.23) در پاسکال، انتقال به تقریب دوم شرطی‌پاسکال، در جواب به یک منتقل فرضی صورت می‌پذیرد. پاسکال در جواب این نگد - که پیان می‌دارد، شاید بچه‌ی که می‌گوید خدا و وجود خدا از دست می‌دهم، چیز ارزشمندی باشد و لذا شرط خطای بندیم - ارزش‌های احتمال و سود نامتناها را وارد بحث می‌سازد و یا ذکر مثل هایی این مطلب را مطرح می‌کند که ما باید تصمیمی اتخاذ کنیم که بشرتین سود را نصب می‌گردد.

[Hacking، 1994، p.23] سخن‌گویی است؛ آری، می‌باشد شرط بندی کمی، ولی شاید شرط خطای بندیم، موضوع را مورد مدعا و موشک‌افزار بشرت قرار دهید؛ از آنجا که امکان برده باخت در این خطر کردن برای [=5/6] است، اگر قرار بود شما تنهای دو عمر یا دو زندگی، در برای یکی به دست آورید، همچنان باید به شرط بندی اقدام کنید و اگر سه عمر، با سه زندگی را می‌تردید، بیاید به باید اقدام به شرط بندی کنید (چرا که شما ناگزیر از شرط بندی هستید) و حال که مجبورید به این بازی اقدام کنید، بی احتیاطی است که یک زندگی نتان را برای بردن و به دست آوردن سه زندگی در این بازی، که امکان برده باخت در آن برای این است، به کار نگیرید.

حال آنکه سخن از یک زندگی و سعادت به نهایت در میان است (Pascal، 2003، pp.66-67)
در این عبارت، چنانچه می‌گویند به هر یک از اقدام‌ها و وضعیت‌ها، یک احتمال و
یک سود تخصیص می‌یابد و سود مورد انتظار باور به وجود خدایا با فرض احتمال
۵۰٪ و سود بی‌نهایت، بی‌نهایت است. چرا که بی‌نهایت در هر عددی ضرب شود یا با هر
عددی جمع گردد، نتیجه، با هم بی‌نهایت خواهد بود. در این وضعیت نیز، هرچند
احتمال وجود خدایا ۵۰٪ است، از آنجا که ارزش سود تخصیص یافته به وجود خدا
بی‌نهایت است، سود مورد انتظار نیز در مجموع، بی‌نهایت خواهد بود. در نتیجه،
شرط‌بندی به سود وجود خدایا (باور به وجود خدایا) با فرض ارزش مثبت و نامنعت آن،
از شرط‌بندی به زیان وجود خدایا (باور به نبود خدایا) به میزانی نامنعتی، بیش می‌افتد؛
چرا که سود مورد انتظار حاصل از شرط‌بندی به سود وجود خدایا، نامنعتی و مثبت و
زیان حاصل از شرط‌بندی به زیان وجود خدایا نیز، نامنعتی و منفی است و از آنجا که
ارزش‌های تخصیص یافته F2 و F4 منفی هستند، در هر حال، تا وابستگی احتمال
وجود خدایا از صفر برگردد باشد، خدا خدا باوری بهتر از خداناپایوری است.

<table>
<thead>
<tr>
<th>وجود خدایا (50٪)</th>
<th>نهاد خدا (50٪)</th>
</tr>
</thead>
<tbody>
<tr>
<td>باور</td>
<td>۵۰٪ و ∞ + F2</td>
</tr>
<tr>
<td>ناباور</td>
<td>۵۰٪ و ∞ - F4</td>
</tr>
</tbody>
</table>

روایت دوم شرط‌بندی پاسکال را می‌توان به شکل زیر خلاصه و صورت‌بندی کرد:

1. برای هر شخص، S، و اقدام‌های یافته بدین در اختیار وی A1، A2، اگر S
مورد انتظار بیشتر نشسته باشد، باور (سازوار است / پاجاست) شناسی A1
اقدام کند.
2. با وجود این فرض که احتمال وجود و نبود خدایا برای (۵۰٪) است، سود مورد
انتظار باور به وجود خدایا، بسیار فراتر از سود مورد انتظار ناباوری به وجود
خدایا است. نتیجه: شخص باور (سازوار است / پاجاست) به خدایا باور داشته باشد
(Jordan, 2005, p.175).

این روايت از شرط‌بندی پاسکال، مبتین بر فرض‌های اساسی زیر است:
تحلیل و تقدیر شرط‌های بازگشتی عضویت صمیمان‌دار

1. احتمال وجود خدا، ۵۰٪ است.
2. شرط‌های به‌سود وجود خدا، اگر خدا وجود داشته باشد، پایداری «بی‌نهايت» می‌باشد.
3. شرط‌های به‌زیان وجود خدا، اگر خدا وجود داشته باشد، عقودی «بی‌نهايت» می‌باشد.

در این میان، بحث‌الگی‌الگان‌ترین فرض، فرض تحقیق است که احتمال وجود خدا (۵۰٪) را برای با احتمال نهایی خدا (۵۰٪ دانسته است. مناقشه ای که در این فرض صورت گرفته، و ممکن بر «تقد خدایان بسیار» یا «تقد مدعیان بسیار» است که بر شرط‌های پاسکال ایراد شده، بیان می‌دارد به هیچ وجه این گونه نیست که احتمال وجود خدا. ۵۰٪ باشد بلکه باید به حدای هر دوین خصی، احتمال خاصی را تخصص جدید و در این صورت، احتمال ۱ میان نهایی خدا، وجود خدایان رقیب و بسیار توسعه دوادید. در این حالات، این می‌توان به یک منابعی تحت آزمایش تشویش کرده که هزار نفر در آن شرکت کرده‌اند. در این صورت، احتمال بود هر کدام از این شرکت هک‌هارم خواهد بود و نه یک دوم به هر حال، این نتیجه جدید است. چنین‌یا نهک‌هیک تخصص احتمالات برای به‌وجود و نهایی خدا را، مهم‌ترین اشکال استدلال و

مقدمه مهیب و اشکالی (۱۹۹۴) تهیه است (۲۷).


در تقریب دوم، جانشین دیدیم، یکی از مهم‌ترین نقدمه بینانی می‌داشت که تخصص

احتمال برای (۵۰٪)، تخصصی نابجاست. در روایت سوم، ما با درجه احتمالی
مواجه هستم که هرچند به طور دقیق مشخص نشده است، در عین حال، احتمال مثبت است که از صفر بیشتر و از ۵۰% کوچک تر است. در این روايت، احتمال وجود خدا هر چقدر هم کوچک باشد، تا وقتی که به‌نام احتمال مثبت و غیرصفر به آن اختصاص دهیم، اهمیتی ندارد و از آنجا که سود اختصاص یافته به وجود خدا، به‌نهايت است، احتمال وجود خدا هر چقدر هم کوچک باشد، چون مثبت و بزرگ تر از صفر است، پیامدهای سود مورد انتظار، در مجموع به‌نهايت و مثبت خواهد بود؛ زیرا کوچک ترین عدد مثبت هم، هر گاه در به‌نهايت ضرب شود، باز هم حاصل، به‌نهايت (۱۰۰%) خواهد بود:

<table>
<thead>
<tr>
<th>وجود خدا</th>
<th>نبود خدا</th>
</tr>
</thead>
<tbody>
<tr>
<td>باور</td>
<td>۱-۰.۵п</td>
</tr>
<tr>
<td>عدم باور</td>
<td>۰.۵پ</td>
</tr>
</tbody>
</table>

در نمودار فوق، F۲ و F۴ ارزش‌های متناهی تخصیص یافته به هر‌افقام هستند و p نشان‌دهنده درجه احتمال وضعیت‌ها و پیامدها است.

ترقی سوم شرطی باسکال را می‌توان به شکل زیر قرار دادی کرد:

۱. بیاید هر شخص، S، و اقدام‌های بیشتر در اختیار ری، A۱ و A۲، اگر سود مورد انتظار A۱ از سود مورد انتظار A۲ تجاوز کند، بايد (سراوی است/بجاست) که شخص S اقدام A۱ را انتخاب کند؛

۲. سود مورد انتظار باور به وجود خدا، بیش از تابوری به وجود است؛

نتیجه: شخص S بايد (سراوی است/بجاست) به خدا باور داشته باشد.

(Jordan, 2005, p. 176)

می‌توان این عبارت باسکال را بر روايت سوم، تطیف داد:

۵۰... حال آنکه سخن از یک زندگی و سعادت به‌نهايت در میان است و اگر چنان باشد، اگر به‌نهايت احتمال (شانس) وجود داشت که نهایا یکی از آن‌ها
تحلیل و تقدیر تاریخی پاسکال با نظره عناصری حسابداری

به نفع شما بود، همچنان شما حق داشتید که یک به دو [به خطر اندکی]
یک زندگی برای به دست اوردن دو زندگی [شرطیه کنید و کمال نادانی است که در عین مجبور بودن به این بازی، از به خطر اندکی یک زندگی برای به دست اوردن سه زندگی اجتناب ورزیم. آن هم در بازی ای که از

پی نهایت احتمال (شمار) یکی به نفع شماست و این در صورتی بود که
پی نهایت زندگی به نهایت سعادتمد را می‌شد. اما در اینجا پی نهایت
زندگی به نهایت سعادتمد برای انتقال وجود دارد، احتمال بردن [نامناسب]
در مقابل احتمال باختن مناسب [به خطر اندکی زندگی محدود و مناسب
این چهاری؟؛ و آنچه که به خطر می‌اندازد، محدود است... احتمال باخت
در میان باشد و در مقابل پیامد حاصل، [ساده نامناسبی] احتمال باخت
پی نهایت و جواد ندارد، جای برای در نگ ذرید نیست، بايد هر آنچه دارید
به سلامت و به پاسخ کوچی بیان می‌شود، 80٪ به سلامت
در این عبارت، تأکید می‌شود که حتی اگر احتمال وجود خدا، نه 50٪ بلکه یک
روی پی نهایت باشد، باز هم، جون احتمال وجود خدا مشت و غیرصرف است، سود
حاصل از خداواری، پی نهایت در پی نهایت است، این پی نهایت، پی نهایت
سعادتمد، در این صورت، باز هم شرط‌نگی به سود و وجود خدا، معقول است و برای
شرکت در این بازی، در نگ خای نیست و بر نقد جان بزند و به آنچه دارد، به
میان اورده، به این آنکه در این قمار، سودی هنگفت و پی نهایت زندگی به نهایت
سعادتمد را به کسی رزیده. اما پاسکال در ادامه و در ماجراهای خاصی م процی نقل دی
را مطرح می‌سازد و به پاسخ کوچی به آن می‌پردازد:

اگفتین این سخن بی‌فاصله است که: سود بردان ما غیرقیمتی است و خطر
کردن‌مان بقیه و مسلم است و فصلیه پی نهایت که میان بقیه بودن خطر و
غیرقیمتی بودن سود است، پرواز است با خیر مناسبی ای که به ازای آن
پی نهایت غیرقیمتی [احتمال بردن پی نهایت] به خطر می‌افکند، چطور نیست؟
زیرا هر قمار بازی، یک امر قیمتی را به ایم برد و یک غیرقیمتی به خطر
می‌اندازد و نیز یک بقیه و مسلم مناسب را در هواه یک غیرقیمتی مناسبی

میان پیویس بودن آنچه به خطر می افتد و غیریابی بودن برده، قد و صبا
به نهایت نیست؛ این برداشت، نادرست است. در حقيقة، فاصلة بی نهایتی
میان پیویس بودن برده و پیویس بودن باخت است،(67)

(Pascal, 2003, p.67)

چنانچه می بینیم، در ميان سه تقریبی که تاکنون بررسی کودیم، تنها تقریب سوم-
استدلال انتخاب تک- است که بر مفهوم نامتناهی تصمیم می گیرد و مبنی بر این فرض
آشکار است که با اتصال بهشت، دارای ارزش نامتناهی است. دو تقریب دیگر، نابی به
این فرض ندارند (122).

البته مهم ترین تدفینی وارد بر این روابط از استدلال نیز، بر استفاده آن از مفهوم
نامتناهی اشکال می کنند و آن را مستلزم می دانند. تقد کلی در این زمینه، این است
که به نهایت صرف یک مفهوم منفی و سلبی است، در حاصل که این استدلال بر تصویر
از به نهایت نش به است که از پایان قرن نوزدهم سو و با توجه به تحقیقات
جراح کانور،۸۶ ریاضی دان و منطق دان آلماک، تصویری خطامیز دانه شده است;
کانور نظریه ای را در باب به نهایت مطرح کرد و در آن اثبات کرد که ما اصولاً همین
و دریافت درست و مناسبی از معناي به نهایت ندارم: فکر می کنیم چون معناي «بی» و
نهایت» را می فهمیم، معناي «به نهایت» را نیز می دانیم، در حالی که این امر، عملیت
ندارد و صرف هم معناي مترادف یک عبارت مربوط به هم معناي آن عبارت،
کفایت نمی کند (7-9589، ۱۸۹۸). ما در مباحث معمولی و ریاضی خود با
به نهایت (0) درست مانند یک عدد برحورده می کنیم که می تواند موضوع عملکردی
gویا نهایت همگون جمع، تقسیم، ضرب، جمع و ضرب... قرار کرد. اما یا اینکه
به عنوان مثال ما تعریف و درک درستی از (0 - 0) و (∞/∞) داریم؟

همچنین به طور خاص، دو ندی در باب استفاده از مفهوم نامتناهی در این استدلال
مطرح شده است که با توجه به اینکه ورود تصمیلی به آن ها، از حوصله ای بحث
خارج است و گزارنده به ورود به مباحث تخصصی ریاضی و حساب احتمالات دارد، به
اجمال ما آنها اشاره می کنیم؛ بنابراین اول که به (مشکل تعیین ناپایداری) ۸۷ مشهور است،
پیام در که محاسبه سود مورد انتظاری که از مفهوم سود نامتناهی استفاده کند،
عموماً منتج به تعيين نابذري عقلاني ""خواهد شد. توضح اینکه فرض کمی فردی معتقد است که می‌تواند با انجام دادن یکی از دو کار A1 و A2، با احتمال کمی با زیادت به بهشت و پاداش نامتناهیست دست یافت. ولی بر این گمان است که اگر اقدام A1 را انجام دهد، احتمال دستیابی به بهشت، 50% خواهد بود، اما انجام اقدام A2 فقط دارای احتمال 1/00000001 برای دستیابی به بهشت است. کاملاً طیبی است که کنشگر انجام اقدام A1 را با توجه به احتمال بیشتر آن، بر A2 ترجمه دهد: اما اگر به محاسبه سود مورد انتظار (EU) دو اقدام A1 و A2 پردازش، با توجه به استفاده از ارزش بی نهایت در این استدلال، خواهیم دید هر دو اقدام دارای سود مورد انتظار برایی (∞) خواهد بود!

EU (A1) = EU (A2) = ∞

چنانچه می‌بینیم مشکل این است: (EU (A1) = EU (A2) = ∞) هر چقدر هم که احتمال نتیجه باشد باشد، باید برای توجه به سود احتمالی تخصص یافته، سود مورد انتظار بی نهایت خواهد شد. به عبارت دیگر، هر گاه سود تخصص یافته نامتناهی و هزینه برداشتی نامتناهی باشد، در این صورت، احتمال هر چقدر هم که اندک باشد، سود مورد انتظار همبسته نامتناهی خواهد بود. در نتیجه با توجه به شرطیتی پاسکال، باید گفت که به هر حال، هر گونه اقدام با عدم اقدام دایر درجه احتمالی، هرچند بسیار بسیار کوچک، برای منتفی شدن به باور دیگر و بنابراین دستیابی به بهشت و پاداش نامتناهی است؛ در نتیجه همه اقدام ها سود مورد انتظار نامتناهی خواهد داشت و نا قابلیتی که احتمال اقدامی برای منتفی شدن به باور دیگر به صفر نرسیده است، هر اقدامی از این امر مستثنی نخواهد بود. انتظار دو فرم در این باره بيان می‌دارد: "فرض کنید که من هیچ اقدامی برای قوت بخشیدن به احتمال اینکه به خدا باورند، شوم، انجام ندهم، آما هنوز هم باید احتمالی، هرچند اندک، وجود داشته باشد که حتی با این وجود نیز، من به خدا باورم! شوم و همین احتمال [پیام تاجی] کافی است تا ارزش مورد انتظاری بی نهایت را نصب اقدام ها یا ماند گرداند"
(Duff, 1986, p.108) نتیجه‌گیری که در ارتباط با استفاده از مفهوم نامتناهی مطرح شده است، به
پارادوکس سن‌پترزبورگ مشهور است: این پارادوکس که توسط دانیل برنولی در
ابتدای قرن هجدهم مطرح شد، به‌طور خلاصه بیان می‌دارد که این درستی نیست که هر
گاه سود مورد انتظار اقتصادی نامتناهی باشد، برای آن اقدام، هر هزینه‌مندی و محدودی
را ت محل یا متقابل شویم. برنولی در تشریح پارادوکس بیان می‌دارد: اگر سکه ای را
پرتاب می‌کنند (شیر یا خنثی می‌کند) و تا زمانی که سکه با روزی «شیر» به زمین بیاید، به
ابن کار آدامه می‌دهد. او موافقت می‌کند که اگر در اولین پرتاب، «شیر» آمد، یک سکه
به پاول بدهد، اگر در دومین پرتاب هم «شیر» آمد، دو سکه، اگر در سومین پرتاب نیز
«شیر» آمد، چهار سکه، همچنین اگر در چهارمین پرتاب «شیر» آمد، هشت سکه به پاول
بدهد و به همین ترتیب، با هر پرتاب اضافی، تعداد سکه‌هایی که باید پرداخت کند، دو
برابر می‌شود. [16, 4, 8] (و لبه‌ای این یک شرط بندی است و در صورتی که
فرض کنیم که
می‌خواهیم ارزش انتظار (سود مورد انتظار) پول را محاسبه کنیم: چگونه محاسبه
استداندار نشان می‌دهد که ارزش سود مورد انتظار پول، به‌ناتی بزرگ است. ... باید
اضافه کرد که هر انسان نسبتاً معقولی شناس خود را برای محاسبه آوردند، ولی بزرگ،
[جدوکت‌ها] پیست سکه خروج خواهد کرد، (Bernoulli, 1954, p.26،) به عبارت
دریگر، این مثل معطل می‌سازد که این شرط بندی تا زمانی معقول است که سکه از
سودی یا زمانی منتفی، مثل این یکی است که در میان باشد، اما از آنجا که هرچه جلوتر
بزرگ، احتمال برداشته باشد به نحو تصادفی افزایش می‌یابد، دریگر معقولی نیست که
آدم تمامی دار و ندار و بخشش را بر سر این قرار بگذارد. در نتیجه، استفاده از مفهوم
سود مورد انتظار نامتناهی، امری منطقی است. [91]
همچنین، برخی تلاش کرده‌اند که از طریق مباحث بیشگر روی جدید را بپاید
ارزش، به نوعی از شرطی پاسکال دفاع کنند، اما از آنجا که این مباحث از محدوده
این نوشته، خارج است، به اجماع باید گفت که نظریه‌پذیری جدید نیز، منطقاً
تحلیل و تقدیر شرطیه پاسکال با نهج همبستگی تصمیم‌گیری

ارزش‌های سود نامنی‌ها را خارج می‌سازد (McLennen, 1994, pp. 116-155) حال آن‌که یکی از تکیه‌گاه‌های اصلی شرطیه پاسکال، تأکید کرد آن برو فهم نامتنهای است.

بنابراین، باید گفت که یک نظریه تصمیم برترین استاندارد ۹۳ در مورد سودهای مورد انتظار نامتنهای قابل اعمال نیست (Anderson, 1954, p. 51)؛ البته، اگر از این نظریه در شرطیه پاسکال، با توجه به ارزش متناهی استفاده شود، می‌تواند یک حاصل قابل دفاع باشد. اما مدافعان شرطیه، قطعاً به اینکه ارزش سود اخیری را متناهی بدانند، ردیابی نخواهد داد. ۹۴ لذا شاید بتوان گفت در نبود استراتژی‌های اطمینان بخش در مورد قانون اعداد نامتنهای یا بسیار پرگ، عملیات اخیر سود مورد انظار، نظریه تصمیم گیری نظریه بیزیکرویی، مشکوک و مستندار و اهدای بود. لذا شاید در شرایط ریسک، بی‌سوی و بی‌طرفی در ریسک، بهترین روش کردن عقلانی باشد (McLennen, 1994, p. 131).

۲۰. تقریب چهارم: استدلال برتری قاطع ۹۶

با توجه به نقدھایی که بر تقریب پیشین وارد شد، آن‌همی‌ها بدو توش به‌عنوان خود می‌تواند شرطیه نامتنهایی با گونه‌ای از شرطیه پاسکال دفاع کرده. به‌هر معتقدند که در ارائه تقریب‌های گوناگون شرطیه پاسکال، یک تقریب را نادیده اگرتشه شده است و این، تقریب چهارمی است که به‌دست توش به‌عنوان سود نامتنهایی در زندگی اخیری، تأکید می‌گردد که حتی در زندگی این جهان نیز، سود با خداباوری است (128) جول. (McLennen, 1994, p. 128). لاشنی: فیلسوف فرانسوی و از شاران پاسکال، بر چنین امری تأکید وریده بود (Lachelier, 1960). ۹۷ یک موقعیت مستقیماً برتر را مجست می‌سازد که فرد حتی به‌طور که به‌اینکه عاقبت امور چگونه خواهد شد و آیا در نهایت، زندگی پس از مرگی خواهد بود یا نه، با اتخاذ جهت‌های امیان، به‌سود و منفعتی دست خواهد برد؛ چرا که حتی در همین زندگی این جهانی و این سویی نیز، سود و صرف‌های خداباوری و زندگی مؤمنه و سلوك دینی است (Rescher, 1987, pp. 117-141). عبارتی از خود پاسکال که بر این تقریب، تطبیق می‌سازد. بیان می‌دارد:

۱. این کلام: شما با در پیش قرفی این مسیر، چه خسارت خواهید کرد؟

۲. مؤمن خواهید شد، شرافتمند و پارسا، خاص و مشوق، سبیلگزار و
خرسند، درست کردار، دوست صادق و صمیمی. اینه درست است که از خوشتی‌های هرگز و لذت مسوم، حشمت و مکنت و خوشی‌ها ی زندگی برتجعل محروم خواهید شد. اما آیا از لذت دیگر برخوردار نخواهید شد؟

من به شما مگیم که بدين طریق، شما در زندگی این جهانی نيز برئه خواهيد شد.

(Pascal, 2003, p. 68)

البته نیکلاس رشر ۹۸ معقده است که تقریب چهارم، اساساً استدلالی در چارچوب شرطیه پاسکال نیست؛ زیرا بر برتی قاطع، بدون هیچ گونه نمکنی به ملاحظات احتمالاتی مبنی است و در این صورت، باید تار و پود شرطیه پاسکال را از هم می‌پیشه. همچنین یو معقده است که تمام ارزش و اعتبار استدلال پاسکال برای این است که به مقایسه و محاسبه احتمالات و مزایای زندگی این جهانی ۹۹ با زندگی دیگرجهانی ۱۰۰ می‌پردازد. نصیرتمناً ما را دعوت به مقایسه منافع و مزایای پایک و دروغین این جهان با رضايت خاطری عمیق تر در مرتبطیه آرامی مکید. استدلالوزی پاسکال، اساساً معقده و به جهان دیگر است نه این جهان» (Rescher, 1987, 118-197).

البته اگر از استدلال پاسکال، انتظار اثبات وجود خدا به معنای برهرانی و منطقی آن را داشته باشیم، این تقد، وارد است؛ اما اگر آن را در چارچوب جدیدی و اتفاقی نگاه کنیم، این تقد رگ وارد نیست؛ چون با وجود این استدلال، و یوگی افغان کننده استدلال، تحقیم و تقویت ی می‌گردد.

این تقریب از استدلال را نیز می‌توان «تصمیم تحت پیشنه» دانست؛ چرا که در این روايت نیز درجه احتمال خاصی به پیامدها و وضعیت‌ها تخصصی داده‌های فلسفی نشود.

تقریب چهارم را می‌توان در قالب ماتریس تصمیم زیر نشان داد:

<table>
<thead>
<tr>
<th>وجود خدا</th>
<th>نبود خدا</th>
</tr>
</thead>
<tbody>
<tr>
<td>باور</td>
<td>+ ∞</td>
</tr>
<tr>
<td>عدم باور</td>
<td>- ∞</td>
</tr>
</tbody>
</table>

این استدلال نیز، همانند موارد پیشین، بیان می‌دارد که منافع باور به وجود خدا و شرطبندی به سود وجود او، بسیار فراتر از ناباوری است و باور نسبت به ناباوری،
پرتری قاطع دارد؛ اما برخلاف تقریب‌های دیگر، که ارژنی به F2 و F4 تخصص داده نمی‌شود، این تقریب‌های بر این فرض است که حتی اگر خدا وجود نداشت باشد، سود تخصصی یافته به F2 برگردد از سود تخصصی یافته به F4 خواهد بود. (F2>F4)

علت اینکه این استدلال، «استدلال پرتری قاطع»، گفته می‌شود نیز این است که بر خلاف تقریب اول که در مورد F2 و F3 ارژنی مطرح نمی‌شد، در این تقریب گفته می‌شود که نه تفاوت وجود خدا به لحاظ منافع آن جهانی آن، برتری دارد، بلکه در این جهان نیز، سود، با ایمان و سلوك مؤمنانه است و لذا میزان سود قاطعیت بیشتری می‌پیدا.

تقریب جهان مرتبطی با استدلال را می‌توان به شکل زیر فرمولبندی کرد:

1. برای هر شخص، S، اگر در میان اقدام‌های بدیل بر انتخاب وی، پیامدهای یک اقدام، A1، بهتر از پیامدهای دیگر اقدام‌های بدیل در دسترس باشد، بايد (سزاوار است / بجاست) که شخص S، اقدام A1 را انتخاب کند؛

2. بی‌توجهی به اینکه خدا وجود داشته باشد یا نه، باور به وجود این بهتر از ناباوری به وجود ا thúت ابست.

نتیجه: شکست S بايد (سزاوار است / بجاست) به خدا باور داشته باشد. (Jordan, 2005, p.177)

اینکه یافته اجمالی این روایت از استدلال می‌پردازیم؛ این استدلال مبتنی بر این پیش فرض است که زندگی درست، شرافت‌ها، حسن‌نامه، خرسندی، درست کردند، صداقت و صمت، نهایاً حداکثر بی‌پیش‌بینی وجود دارد و هر کس که زندگی او تحت سلطه اکثریت ایمان و باور به وجود خدا نباشد، حتماً با به احتمال زیاد، زندگی ای هره و تباه تحت سلطه منفیات مسوماً و به دور از خرسندی خاطر و اختلاف خواهد داشت. اما آیا واقعاً این ادعای گرفته و مصادر به مطالب نیست؟ آیا نهایاً راه زندگی شرافت‌ها، دینی زیست است؟ و حتی با فرض پذیرش اصل مدعای استدلال، زندگی تحت تسلط کدامیک دین و مسلک با کدامین قرار و روایت؟ و اگر انسان صرفاً با محض احترام برای دستیابی به خرسندی خاطر و رضایت باطن، به سلوك دینی روز آورد، آیا این خودرفیبی

رویکردی به دین کجا خواهد بود؟

در پایان بررسی نقادانه چهار روایت فوق، از آنجا که در هر چهار تقریب، بر استفاده از نظریه تصمیم‌گیری در استدلال تأکید شده، نتیجه‌ای ناچiegی به همه روایت‌ها را نسبت به کاربرد نظریه تصمیم‌گیری در شرطیه پاسکال مطرح می‌کنم. به نظر می‌رسد استفاده از نظریه تصمیم برای موضوعات مهم و خطرنامه‌ای، سیاست محل تردید است و لذا، نتیجه‌گیری‌های در استفاده از آن به عنوان مبنا برای تعهد دینی محضی باشم.

چنانچه می‌دانیم، در تصمیم‌گیری، تأکید بر اتخاذ موضوع نهایی تطعیفی، رفتاری، فیصله‌گیری، استوار، ثابت، جزئی، بسته و بدون تردید است. چنانچه در زبان عربی می‌گوییم، «تصمیم» به معنای گر کردن است، یعنی از این پس، انسان دیگر در موضع خود استوار است، و هیچ سخن مخالفی را نمی‌نمی‌آورد. در هر حال، هر چهار موضوع اجتماعی جرم‌دانش‌های و غیرمعقول است و گرچه شاید نظریه تصمیم‌گیری در علمی مثل مدیریت و اقتصاد کاربردی داشته باشد، اما در مسائل مهم و مهمی مثل دین و حقيقة استفاده از چنین نظریه‌ای شایسته نیست. چرا که خود ادیان هم از انسان‌ها خواسته‌اند که همه‌شان درگاه دهن و ضمیر خویش را برای پذیرش دیدگاه‌های معقول و مستند باز نگه دارند و اقدامی مدارا و مدیریتی و تساوی‌انسانی نبرد، چیزی جز این نخواهد بود.

نتیجه‌گیری

در مجموع با چگونه کافی است که اگر از شرطیه پاسکال بخواهیم ضرورتاً به عنوان توصیه‌ای جهت انتخاب روان‌شیایی مختلط و کاملاً بروز رود به ساخت کلی ادیان و ایمان استفاده کنیم. تا در مرحله بعد بررسی نقادانه دیقیق تر، موضوعی اختصاص اتخاذ نکنیم. سیاستی از این نقدنها رنگ خواهد یافت: اما اگر از این استدلال بخواهیم بهره برنهایی، عقلانی، منطقی و اختلاسی جهت اثبات دینی خاصی، و حتی خدایان‌داری کلی برمی، به نظر می‌رسد که این استدلال، دچار چالش جدی خواهد شد.
همچنین اتخاذ موضع اختیاط انسان‌شناسی و مصلحت سنجانه، تا زمانی که با اخلاق و عقلانیت در تقابل باشد، مجزا معرف و مشروط است. به عبارت دیگر، در دفاع از استفاده از شرطی پاسکال در مقام اقتاع و برای ورود به اردوی کلی دین، می‌توان گفت با لحاظ تمامی شواهد و قرآن عقلی و استندال ها قرنیه گروهان، 

حداقل به انتظار ناخداپاروی محتمل است. بر این اساس، عقاوی و قرآن عقلی، به تنهایی حکم می‌کنند که ناخداپاروی، عقاوی مجاز و موج‌های استندال‌های عمل گروهان، مصلحت انسان‌شناسی و اختیاط ورزانه را نیز وارد کنیم و با ملاحظه جمع شرایط و جمع دلایل قرنیه گروهان اختیاط ورانته که تنها به سود ناخداپاروی سنگینی شواهد نمود (Quinn, 1994, pp.69-70)، اکثریت سوپریبان، ریچارد سویپر، برنینگین، لیلیس معاصر انگلیسی، به ارائه برخی مبنا بر مجموعه قرآن (برخیان تجمعی) جهت توجیه خدا باوری پرداخته است (Swinburne, 1991, pp.130). اما در مجموع، شرطی پاسکال در صورتی ارزش و اعتبار عقلانی و اختیاطی دارد که به عنوان توصیهای جهت اقتاع روان مخاطب برای ورود به ساحت کلی دین ارائه شود؛ اما هرگونه بهره‌برداری بهانه از آن در دام اشکالات و انفکات عقلانی و اختیاطی فراوانی، و از جمله مواردی که تاکنون مطرح شده، اخلاق افتاد.

1. John Von Neumann
2. games theory
3. Pascal's wage
4. Pensées (Thoughts)
5. Blaise Pascal (1623-1662)
6. pragmatic
7. prudential
8. fideistic
9. rationality of religious beliefs
10. cosmological arguments
11. ontological arguments
12. teleological arguments
13. religious experience
14. pragmatically
15. prudence
16. rationality of religious belief
17. truth
18. reason
19. expected utility (EU) (expected return) (ER) (expectation)
20. fideism
21. faith
22. "The heart has its reason, which reason does not know."
23. Anselm of Canterbury (1033-1109)
24. chance (luck)
25. fate
26. fortune
27. destination
28. probability
29. instrumental use
30. justificatory use

31. لازم به توضیح است که معنای رایج «ملحد» (atheist) در زبان انگلیسی «شخصی است که بدان می‌دارد موجودی به عنوان خدا وجود ندارد» این به از دیدگاه شیعیان مقیاسی بیشتری گزارش نمی‌کند. ملحد فردی نیست که عدم وجود خدا را تأیید می‌کند بلکه صرفاً کسی است که خداوباور نیست. در این زمینه رک. 25.

32. agnostic
33. skeptic
34. rational justification
35. William James (1842-1910)
36. absolutely wicked
37. benefit-directed
38. truth-directed
39. decision-making theory
40. decision theory
41. cost-benefit
42. agent
43. objective probability
44. subjective probability
45. actions
46. states (states of the world)
47. outcomes
48. decision matrix
49. cell
50. utilities (payoff)
51. disutility
52. Probability (likelihood)
53. expectation rule
54. should
55. costs
56. maximum expected utility
57. version
58. condition of certainty
59. decision under certainty
60. condition of risk
61. decision under risk
62. condition of uncertainty
63. decision under uncertainty
64. the argument from dominance
65. dominate
66. perform the dominant act
67. ought of rationality (rational ought)
68. practical ought
69. means / end ought
70. dominant
71. status quo
72. damnation
73. hell
74. the argument from weak dominance
75. the argument from expected utility (expectation)
77. the equal-odds expectation argument
78. perform an act with highest expected utility (expectation)
79. many-Gods objection
80. many-claimants objection
81. monstrous premiss
82. the argument from dominating expected utility (dominating expectation)
83. the argument from generalized expectation
84. perform an act of dominating expected utility (expectation)
85. Georg Cantor
86. the indeterminacy problem
87. rational indeterminacy
88. the St. Petersburg Paradox
90. problematic
89. modern Bayesian theory of value
92. standard Bayesian decision theory
93. risk neutrality
94. the argument from strong dominance
95. Jules Lachelier
96. Nicholas Rescher
97. this-worldly
98. other-worldly
99. poisonous pleasures
100. self-deception
101. hopeful delusion
102. wishful thinking
103. critical faculties
104. dogmatic
108. evidential reasons
109. theism
110. atheism
111. rationally permissible
112. rationally obligatory
113. all things considered
114. Richard Swinburne
115. cumulative argument


- James, William (1956), The Will to Believe and Other Essays in Popular Philosophy and Human Immortality, New York: Dover.


- Plantinga, Alvin and Wolterstorff, Nicholas (eds.) (1983), Faith and Rationality, Notre Dame, Ind.: University of Notre Dame Press.


